

تبیین اصل حق دفاع و اصل تناظر در آیین دادرسی کیفری ومدنی

عهديه اسفندياري مهني^۱، ابوالقاسم خدادي^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

چکیده

یکی از مهم ترین و برجسته ترین اهداف پیامبران مکاتب آسمانی برقراری عدالت بوده است. ابزارهای تحقق عدالت در هر جامعه ایی قوانین و اصولی هستند که توسط انسان ها تدوین یافته و ریشه در وحی الهی و عقل بشری دارند اصل حق دفاع واصل تناظر از مهم ترین اصول و قواعد حاکم بر دادرسی مدنی و کیفری می باشند این دو اصل تضمین کننده حق دفاع طرفین دادرسی می باشند حق دفاع از مقدس ترین حقوق انسانی است که موجب تضمین حقوق و آزادی های فردی است. در واقع شناسایی حق دفاع برای افراد جامعه در مقابل تجاوز به حقوق و آزادی های فردی ضرورتی غیرقابل انکار است. در این تحقیق با بررسی دو اصل تناظر و حق دفاع به عنوان دو اصل مشترک در دادرسی مدنی و کیفری ایران به روش کتابخانه ای در پی دستیابی به این هدف می باشیم که مفهوم و مصادیق این دو اصل در آیین دادرسی مدنی و کیفری چیست و برخلاف عده ای از نویسندگان که این دو اصل را یکی می دانند تفاوت این دو اصل در چیست؟

واژه های کلیدی: حق دفاع، ایرادت، دفاع در معنای اخص، دعوی متقابل، واخواهی، تناظر

مقدمه

اصل حق دفاع واصل تناظر دو اصل مشترک در آیین دادرسی مدنی و کیفری ایران می‌باشند که تضمین‌کننده یک دادرسی عادلانه می‌باشند از یک سو می‌توان این دو اصل را حق دفاع در معنای عام دانست در این مفهوم حق دفاع عبارت است از استخدام قوه استدلال و بیان با استفاده از ابزارهای قانونی به منظور رفع اتهامات انتسابی به افراد نزد مقامات قضایی است. برقراری عدالت یکی از آرزوهای دیرین بشر بوده که تحقق آن در پرتو برگزاری دادرسی عادلانه مبتنی بر فراهم نمودن حق- دادخواهی و دفاع ممکن خواهد بود. (فرزانه و جامد، ۱۳۹۲: ۶). حقوق دفاعی، حقوقی منبعت از اصل برائت و در جهت حفظ حقوق فردی و اجرای عدالت و امنیت قضایی شهروندان می‌باشد و شناسایی این حق یکی از بدیهی‌ترین حقوقی است که از یک حکومت و در راس آن قوه قضاییه به عنوان مجری عدالت انتظار می‌رود (جان شکر، ۱۳۷۸: ۱۳۷). در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری ایران نامی از اصل تناظر برده نشده است دادرسی تناظری نتیجه برابری و تساوی میان اصحاب دعوی در استفاده از امکانات و فرصتها و احترام به حق دفاع آنها است، که این رعایت تعادل و توازن میان اصحاب دعوی سبب می‌گردد که حکم قاضی به حق و عدالت نزدیک شود و قضاوتی شایسته و دلنشین را برای اصحاب دعوی به ارمغان می‌آورد (باقری، ۱۳۹۴: ۳۵). اما با توجه به مفهوم این اصل و ضرورت رعایت آن در تحقق دادرسی عادلانه مفهوم این اصل را می‌توان از بسیاری از مواد قانون آیین مدنی و کیفری برداشت نمود. در این تحقیق با بررسی دواصل تناظر و حق دفاع به عنوان دواصل مشترک در دادرسی مدنی و کیفری ایران در پی دستیابی به این هدف می‌باشیم که مفهوم و مصادیق این دواصل در آیین دادرسی مدنی و کیفری چیست بسیاری از نویسندگان در آثار خود این دواصل را یکی دانسته جزء معدودی از نویسندگان که به صورت مختصر این دو اصل را به تفکیک ذکر کرده اند (شمس، ۱۳۹۴: ۱۲۴) ما در این تحقیق با بررسی مفهوم و مصادیق این دو اصل در پی تبیین هرچه بهتر این دو اصل و دستیابی به این هدف هستیم که هر چند این دو اصل در یک راستا می‌باشند اما باید از اختلاط این دواصل جلوگیری کرد.

مفهوم و مصادیق حق دفاع

اما دکتین حقوق، تعاریف متعددی از آن به دست داده اند. به عنوان مثال حق دفاع را اینگونه تعریف کرده اند: ((حق دفاع عبارت است از اتخاذ آزادانه ی کلیه ی وسایل و طرق قانونی در برابر دعاوی و اتهام)) (علی اکبری، کرمی، کنجوری، ۱۳۹۲: ۴). به نظر یکی از اساتید کلیه اظهارات خوانده اعم از کتبی و شفاهی به منظور رد دعوی خواهان دفاع از دعوی محسوب می‌شود و این اظهارات اگر متوجه ماهیت امر باشد دفاع به معنی اخص خوانده می‌شود (شیخ نیا، ۱۳۷۳: ۱۲). حقوق دفاعی متهم به معنای بهره مندی متهم از برخی امتیازها، حمایت‌ها و تضمینات قانونی و قضائی در جریان دادرسی است. در فلسفه حقوق و حقوق کیفری، وقتی از حقوق دفاعی متهم صحبت می‌شود، منظور بار ارزشی آن نیست و موضوع گزاره های اخلاقی قرار نمی‌گیرد، بلکه مراد بررسی بهره مندی متهم از حقها و تضمینهای مقرر شده برای وی در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی است (فرحبخش، ۱۳۸۵: ۴). در آیین دادرسی کیفری حق دفاع متهم عبارت از مجموع تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی و منطقه ای و بین المللی، برای افرادی که در مظان اتهام ارتکاب بزه قرار می‌گیرند و در سراسر رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه به دور از اشتباهات قضایی منظور گردیده است (آشوری) امروزه حق دفاع جنبه بشری و جهانی دارد و هر انسانی قطع نظر از خصوصیات ملی و نژادی و زبانی و مذهبی، باید از آن برخوردار شود طبق بند اول ماده یازدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر ((هرکس به بزه کاری متهم باشد بی گناه محسوب می‌شود تا وقتی که در جریان یک دادرسی عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تامین شده باشد تقصیر او قانونا محرز گردد)). این ماده اصل برائت و ضرورت دادرسی از متهم را اعلام داشته است و وقتی دفاع انجام شده تلقی می‌شود که کلیه تضمین های لازم برای این امر تامین شده باشد (امیری، ۱۳۹۲: ۳-۲).

اصل بر آزادی در دفاع است. این اصل دو اثر دارد: حق دفاع از خود به طور شخصی، بدین معنا که متداعیین می‌توانند خود از خویش دفاع کنند و حق انتخاب آزادانه‌ی وکیل مدافع، بدان معنا که طرفین دادرسی اصولاً در انتخاب مدافع آزادی دارند (کریمی ومحسنی، ۱۳۹۰: ۱)

بدین منظور آیین دادرسی کیفری جدید در موارد مختلف دست به نوآوری هایی در این زمینه زده است. با توجه به همه این موارد قانون جدید در مسیر حق دفاع متهم گام های اساسی و استواری برداشته و فضای دادرسی کیفری را به سمت حقوق بشر سوق داده است. در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، حقوق دفاعی تعریف نشده است. حقوق دفاعی متهم را این گونه تعریف کرده اند مجموعه امتیازاتی که به موجب آن برای متهم امکان موثر دفاع از خود در فرایند رسیدگی کیفری تضمین می‌شود بر پایه این تعریف، حقوق دفاعی متهم حق داشتن وکیل به عنوان برجسته ترین حق دفاعی و سایر حقوق دفاعی مانند حق مداخله در امر تحقیق و مطالعه پرونده کیفری را شامل می‌شود حقوق دفاعی متهم به معنی بهره مندی وی از حمایت ها و تضمین های قانونی و قضایی است که در فرایند دادرسی کیفری مطرح است. یکی از اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری رعایت حقوق دفاعی متهم است. در ماده ۵ ق.آ.د.ک ضمن اشاره به برخی از مهمترین حقوق دفاعی متهم یعنی حق تفهیم اتهام در اسرع وقت و حق دسترسی به وکیل، در ادامه با بیانی کلی بهره مندی از سایر حقوق دفاعی را به عنوان یک ضرورت در فرایند دادرسی به رسمیت می‌شناسد و بر آن تاکید می‌کند برابر ماده ۵ ق.آ.د.ک جدید متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود دیگر اصول مهم راهبردی آیین دادرسی کیفری همانند اصل استقلال و بی طرفی، اصل برائت و همچنین اصل رعایت حریم خصوصی و حقوق شهروندی هر کدام از زاویه ای خاص بر حقوق دفاعی متهم تاکید دارند. حقوق فرد تحت نظر، حق عدم احضار بدون دلیل، حق برخورداری از آزادی در طول رسیدگی، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، حق حضور فوری نزد مقام قضایی، حق جبران خسارت ناشی از بازداشت شدن شخص بی گناه از جمله حقوق دفاعی متهم است که انتظار می‌رود از رهگذر مقررات مختلف ق.آ.د.ک قابل تحقق باشند. عبارت ((سایر حقوق دفاعی متهم ۰۰)) به شرح مقرر در ماده ۵ معطوف به این حقوق است. ذکر این نکته ضروری است که حقوق دفاعی متهم منحصر در موارد ذکر شده در ق.آ.د.ک نیست، بلکه در سایر قوانین از جمله قانون اساسی و قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، شاهد تاکید بر مولفه های حقوق دفاعی متهم هستیم. به طور کلی عدم رعایت حقوق دفاعی متهم از سوی مقامات قضایی تخلف و با ضمانت اجرای انتظامی مواجه است و در بعضی موارد برای این اقدام ضمانت اجرا کیفری نیز مقرر شده است (فرزانه وجاهد، ۱۳۹۲: ۶-۵) متهم باید بتواند آزادانه و آگاهانه در یک فرصت مناسب و با تهیه و تدارک وسایل دفاعی و با مساعدت وکیل منتخب، در یک دادگاه قانونی به طور علنی و با رعایت بی طرفی و انصاف از خود دفاع کند و این امکان باید در کلیه مراحل دادرسی کیفری رعایت شود. حق دفاع متهم یکی از عناصر امنیت قضایی در کنار حق دادخواهی است که حمایت از آن باعث آرامش شهروندان و توسعه اقتصادی و سیاسی فرهنگی و اجتماعی است (امیری، ۱۳۹۲: ۶)

مصادیق حق دفاع در قانون آیین دادرسی کیفری جدید

۱- حق تفهیم اتهام (حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام)

آگاهی از موضوع و دلایل اتهام یکی از مهمترین تضمینات حقوق دفاعی متهمان در تمام مراحل رسیدگی کیفری به شمار می‌رود. تقریباً تمام اسناد حقوق بشری چه بین المللی و چه منطقه ای بر شناسایی چنین حقی یعنی اطلاع از دلایلی که علیه اشخاص ضمن دستگیری، جلب، بازداشت و سرانجام محکومیت آنان اقامه شده است مهر تأیید نهاده اند در ماده ۴۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری بر این حق تاکید دارد تفهیم اتهام دارای ویژگی هایی همچون کتبی بودن مستدل بودن و صریح بودن تفهیم اتهام می باشد.

۲- حق سکوت

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز، اصل محق بودن متهم به سکوت در ماده ۱۹۷ پذیرفته شده است.

۳- حق داشتن وکیل - تکلیف اعلام حق برخورداری از وکیل

حق داشتن وکیل و تفهیم این حق به متهم بعد از کرامت انسانی، اولین حق برای متهم است و بدیهی است که این تفهیم حق باید به روشنی، مکتوب و مستدل و در اسرع وقت صورت گیرد نه به صورت گذرا و مقطعی تا متهم بتواند از این حق دفاعی خود به خوبی استفاده نماید مواد ۱۹۰ و ۴۸ ق.ج.آ.د.ک برای این حق تاکید دارند.

۴- حق تماس با خانواده و بستگان

ماده ۴۹ ق.ج.آ.د.ک برای این حق تاکید دارد.

علاوه بر این موارد متهم در مرحله ی محاکمه و رسیدگی از این حقوق برخوردار است که عبارتند از:

۱- قرائت کیفرخواست با تفهیم اتهام به زبانی که برای متهم آشنا باشد؛

۲- اعطای فرصت و تسهیلات لازم به متهم جهت تمهید دفاعیات؛

۳- استفاده از مشاوره وکیل تسخیری، در صورت فقدان امکانات لازم جهت انتخاب وکیل دلخواه؛

۴- استفاده از معاضدت مترجم در صورت عدم آشنایی و فهم زبانی که در دادگاه به آن تکلم می شود برای متهم؛

۵- مورد پرسش قرار دادن مستقیم شهودی که علیه او شهادت می دهند از سوی متهم یا وکیل مدافع او (پرسش و پاسخ متقابل).

۶- عدم امکان اجبار متهم به شهادت علیه خود؛

۷- ممنوع بودن اجبار متهم به ادای سوگند؛

۸- حق اعتراض به دادگاه بالاتر در صورت محکومیت؛

۹- ممنوعیت محاکمه ی مجدد به مناسبت اتهام واحد

۱۰- امکان احضار شهودی که می توانند به سود متهم شهادت دهند، به تقاضای متهم و تحت همان شرایطی که نسبت به احضار شهود علیه او اقدام گردیده است (علی اکبری، کرمی و کنجوری، ۱۳۹۲: ۱۶-۷).

مصادیق حق دفاع در دادرسی مدنی

در پرونده های مدنی اصحاب دعوی هستند که در مقام دفاع یا دعوی قرار دارند. بنابراین ((حقوق دفاع)) در اینجا گویای این فکر است که دفاع از منافع اصحاب دعوی باید مورد حمایت و تضمین قرار گیرد آنچه در کنار اصل تناظر به عنوان اصل حق دفاع استخراج گردیده می توان آنرا از مصادیق حق دفاع نام برد ۱- تکلیف آگاه ساختن طرف مقابل از طرح دعوی ۲- تکلیف قاضی در رعایت دقیق بی طرفی و مستدل نمودن رای ۳- تکلیف قانونگذار در سازماندهی روشی عقلانی در طرق شکایت از آراء می باشد. به طور خلاصه می توان گفت تمام آنچه که به دادرسی منصفانه کمک می کند می توان آنرا ذیل حق دفاع نام برد. در واقع مطابق با حق دفاع چنانچه شهروندی در معرض اتهام قرار گیرد باید بتواند مستقل و بی طرف آزادانه از خود دفاع کند. برای این

دفاع نباید محدودیت خاصی وجود داشته باشد. اگر ابزار واندیشه دفاعی او پذیرفته نشد دلایل کافی و منطقی بر توجه اتهام وجود داشته باشد به طوری که برای دارسان اقناع وجدانی به وجود آورد و در مقام صدور حکم محکومیت برآیند باید مجازات از پیش تعیین شده در قانون را مورد حکم قرار دهند و حکم نیز با رعایت حیثیت و کرامات انسانی او اجرا شود (آخوندی، ۱۳۸۱: ۳۴۵) از آنجایی که دفاع تمام راه هایی را در بر می گیرد که در قانون پیش بینی شده است و خواننده به منظور بازداشتن موقتی و دائمی خواهان از رسیدن به هدف، که پیروزی در دعوی اقامه شده است، به کار می گیرد (شمس، ۱۳۹۴: ۴۳۳). دفاع (عکس العمل خواننده در قبال تعقیب و ادعای خواهان) در معنای عام خود یا بر طبق نظر یکی از اساتید در حقوق ایران دفاع در معنای (سنتی) خود شامل موارد زیر می شود (متین دفتری، ۲۴۸: ۱۳۸۱) .۰

الف) ایرادات

ب) دفاع به معنای اخص یا پاسخ از ماهیت دعوی.

ج) دعوی متقابل

د) واخواهی

با توجه به مفهوم ارائه شده از حق دفاع یا پاسخ های خواننده این تعریف مانع الجمع نمی باشد و شامل مواردی همچون اعتراض به عدم رعایت شرایط شکلی دادخواست که مورد توجه و اقدام دفتر دادگاه قرار نگرفته و موجب جریان دادخواستی شده که قانوناً نمی بایست معتبر شمرده شود در این موارد اگر دادخواست ناقص به دادگاه فرستاده شود خواننده حق اعتراض دارد (شمس، ۱۳۹۴: ۴۳۳). در زیر به توضیح مختصری از هر کدام از طرق دفاعی خواهیم پرداخت.

الف) ایرادات

ایرادات از طواری خارج از ماهیت دعوی است در واقع تمسک به یکی از ایرادات قانونی برای این ست که محکمه از ورود به ماهیت امر خوداری نماید (شیخ نیا، ۱۳۷۳: ۱۲). در قانون ایران تعریفی از ایراد نشده است اما با توجه به معنای لغوی آن، عبارت است از وسیله ایی که خواننده معمولاً در جهت ایجاد مانع موقتی یا دائمی بر جریان رسیدگی به دعوی مطروحه و یا بر شکل گیری مبارزه در اصل و ماهیت حق مورد ادعا، به منظور بازداشتن موقت یا دائم خواهان از پیروزی به کار می رود به عبارت دیگر، طرح ایراد به منزله رد موقتی یا دائمی مبارزه نسبت به اصل و ماهیت حق مورد ادعای رقیب است. به عبارت دیگر مقصود از ایراد بر خلاف دفاع به معنای اخص این می باشد که خواننده ادعای خواهان را ماهیتاً نفی نمی کند بلکه اظهار می دارد که دعوی به نحوی که اقامه شده در خور پاسخ دادن نیست یعنی در این حال الزامی به پاسخ ندارد و آن را موکول به بعد می نماید. بنابراین ایراد به منزله سد یا مانعی است که اغلب به طور موقت در جلو جریان دعوی گذاشته می شود (متین دفتری، ۲۴۸-۲۴۹: ۱۳۸۱).

ماده ۸۴ ق.آ.د.م. ضمن بر شمردن انواع ایرادات مقرر می دارد (در موارد زیر خواننده می تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوی ایراد کند). در زیر به شمارش ایرادات بر اساس اثری که دارند می پردازیم.

الف ایراداتی که اثر پذیرش آنها تغییر مرجه رسیدگی است.

- ۱- ایراد عدم صلاحیت ذاتی.
- ۲- ایراد عدم صلاحیت نسبی. با توجه به ق.آ.د.م این ایراد در مواردی قابل طرح هست که خواننده دعوی مطروحه را در صلاحیت دادگاه عمومی محل دیگری بداند.

۳- ایراد امر مطروحه.

ب- ایراداتی که در رسیدگی به دعوی مانع موقتی ایجاد می‌کند.

۱- ایراد عدم اهلیت.

۲- ایراد عدم احراز سمت.

ج- ایراداتی که در رسیدگی به دعوی مانع دائمی ایجاد می‌کند.

۱- ایراد عدم توجه دعوی

۲- ایراد امر قضاوت شده

علت اینکه پرونده مشمول اعتبار امر مختومه قابل رسیدگی نمی‌باشد و دعوا باید رد شود، این است که با وجود محدودیت صلاحیت قضات برای شروع رسیدگی در پرونده‌هایی که محدود به حوزه قضایی، شعبه خاص و در صورت ارجاع رئیس دادگستری است اما بعد از رسیدگی و صدور رای صادره در تمام جهان قابل اجرا و غیر قابل رسیدگی است. به منظور احترام به این قاعده هیچ کس حق ندارد مجدداً همان پرونده با شروطی که از ماده مزبور استنباط و مولفان به آن پرداخته اند، (مرتضوی، ۱۳۹۴: ۲۴۹).

۳- ایراد بی نفعی خواهان.

۴- ایراد عدم ترتب آثار قانونی به دعوی.

۵- ایراد عدم مشروعیت مورد دعوی.

۶- ایراد جزمی نبودن دعوی.

۷- ایراد جزمی نبودن دعوی.

۸- ایراد به زمان اقامه دعوی.

علاوه بر ایراداتی که در ماده ۸۴ ق.ج.آ.د.م آمده ایرادات دیگری در سایر مواد این قانون پیش‌بینی شده که از آن جمله می‌توان به ایراد رد دادرس (مواد ۹۱ و ۹۲) ایراد معروف به دعوی واهی (مواد ۱۰۹ و ۱۱۰) و ایراد تامین اتباع بیگانه (مواد ۱۴۸-۱۴۴) اشاره نمود. افزون بر آن باید توجه داشت. که با توجه به مفهوم ایراد، می‌توان نتیجه گرفت که ((ایراد)) قابل پذیرش ایرادی نیست که الزاما در قانون آیین دادرسی مدنی صراحتاً پیش‌بینی شده باشد بلکه هر دفاع که آثار ایراد را داشته باشد، حتی اگر مستند به سایر مقررات باشد، ((ایراد)) شمرده می‌شود در نتیجه مصادیق مورد بحث جنبه تمثیلی و نه احصایی دارد (شمس، ۱۳۹۴: ۴۶۸).

ب) دفاع به معنای اخص

مقصود از دفاع به معنای خاص این است که خواننده حقوق ادعایی خواهان را نفی یا انکار نماید مثلاً شخصی به عنوان طلبکار بر دیگری به عنوان بدهکار اقامه دعوی و مبلغی وجه از او مطالبه می‌نماید خواننده پاسخ می‌دهد هیچ گاه وامی نگرفته و بالنتیجه به هیچ وجه نسبت به او بدهکار نیست. این پاسخ عبارت از نفی صریح و مستقیم حقوق ادعایی است و دفاع به معنای اخص شمرده می‌شود (متین دفتری، ۱۳۸۱: ۲۴۸). نفی حق ادعایی به هر طریق قانونی امکان‌پذیر است در این طریقه از دفاع قانونگذار، طرح پاره‌ایی از دفاعیات خواننده را که ممکن بود مستلزم اقامه دعوی شود دفاع به معنای اخص شمرده است در حقیقت به موجب ماده ۱۴۲ ق.ج.آ.د.م ((...دعوی تهاتر، صلح، فسخ، رد خواسته و امثال آن که برای دفاع از دعوی اصلی اظهار می‌شود... نیاز به تقدیم دادخواست جداگانه ندارد)). بنابراین در دفاع به معنای اخص، خواننده نسبت به حق اصلی مورد ادعای خواهان، با او وارد نبرد و مبارزه می‌شود تا شکستی قاطع و اساسی را بر او تحمیل کند.

فایده تفکیک حق دفاع از ایرادات

- ۱- هرگاه خواننده به دفاع به معنای اخص متوسل گردیده و به سود او حکم صادر شود نتیجه این است که اعتبار قضیه محکوم‌بها برای او در ماهیت امر حاصل می‌شود یعنی خواهان نمی‌تواند آن ادعا را در دادگستری تحت هیچ عنوانی مطرح نماید لیکن در صورتی که خواننده متوسل به یکی از ایرادات شود و پیروز شود قضیه محکوم‌بها برای او فقط نسبت به موضوع ایراد حاصل می‌گردد و خواهان می‌تواند غیر از مواردی که قبول ایراد بالتبع دعوی را به کلی از بین می‌برد در ماهیت دعوی ادعای خود را از نوع آغاز کند و دادرسی را تعقیب نماید.
- ۲- دفاع به معنای اخص اصولاً محدود به وقت معین و نوبت معین نیست. در تمام مراحل دادرسی خواننده می‌تواند این وسیله را به کار بندد البته با رعایت قواعدی برای نظم و مقررات و مقدمات کتبی در دادرسی عادی مقرر شده‌ولی در مورد ایرادها بعضی از ایرادات مربوط به نظم عمومی و از قواعد آمره است یعنی دادگاه‌ها مکلفند قطع نظر از ایراد اصحاب دعوی از رسیدگی امتناع کند یعنی بر فرض سکوت آنها موضوع ایراد بر دادگاه الزام‌آور است. اما سایر ایرادهایی که جنبه منافع خصوصی اصحاب دعوی را در بر دارد محدود به نوبت و زمان است مگر اینکه سبب ایراد بعد حادث شود. یا اینکه اگر در مهلت مقرر ایراد نشود اگر ایرادات از قواعد مخیره باشند دادگاه می‌بایست تکلیف آنها را ضمن صدور رای نسبت به ماهیت مشخص کند (همان: ۲۵۲).
- ۳- دفاع به معنای اخص، بر خلاف ایرادات، شمارش نشده و اگرچه می‌توان طرق آن را دسته بندی نمود اما شمارش آنها بی‌مورد است. چون دادگاه در پی دفاع به معنای اخص، بر فرض عدم پذیرش ایراد و نبودن سبب ایرادات مربوط به قواعد آمره، وارد رسیدگی به ماهیت دعوی، یعنی اصل موضوع مورد اختلاف و نزاع می‌شود و باید در پایان- دادرسی نسبت به صدور حکم اقدام نماید (شمس، ۱۳۹۴: ۴۷۴).

ج) دعوای متقابل

یکی دیگر از طرق دفاعی که خواننده می‌تواند اختیار نماید، اقامه دعوای متقابل است. دعوای متقابل دعوایی است که خواننده تحت شرایطی می‌تواند در مقابل دعوای خواهان به منظور کاستن از محکومیتی که او را تهدید می‌کند. در جلوگیری کلی از این محکومیت و یا حتی تحصیل حکم محکومیت خواهان اصلی به دادن امتیاز علیه او اقامه دعوی نماید (همان، ۴۷۵). دعوایی، دعوای متقابل محسوب می‌شود که با دعوای اصلی دارای منشأ واحد باشد یا با آن ارتباط کامل داشته باشد و دعوایی متقابل محسوب می‌شود که به صورت مستقل هم قابل طرح باشد. از این رو است که ماده ۱۴۲ مقرر داشته ((دعوای متقابل به موجب دادخواست اقامه می‌شود لیکن تهاوتر، صلح، فسخ، ردخواست، وامثال آن که برای دفاع از دعوای اصلی اظهار می‌شود دعوای متقابل محسوب نمی‌شود و نیاز به تقدیم دادخواست جداگانه ندارد)) زیرا تحقق آنها بسته به تحقق ادعای خواهان بوده و وجود مستقلی ندارد. و بدون آن منتفی می‌گردد. و چنانچه دعوای اصلی به جهتی از جهات رد یا ابطال شود دعوای متقابل مردود است. ولی خواننده در صورت فرض حقی می‌تواند آن را به صورت مستقل مطرح نماید (صدر زاده افشار، ۱۳۸۲: ۳۶۵-۳۶۴).

د) واخواهی

هرچند در این تقسیم‌بندی نامی از واخواهی برده نشده است اما با توجه به معنا و مفهوم حق دفاع، واخواهی از بارزترین مصداق های حق دفاع برای خواننده غایب که در جریان دادرسی نبوده است به شمار می‌رود.

امروزه دادرسی مدنی بیش از هر زمانی تحت گفتمان دادرسی عادلانه مبتنی بر اصول جهان شمول است اما به رغم التزام قانونگذار و دادگاه ها به این اصول، گاهی جمع بین آنها دشوار است از جمله می توان به اصل حق دفاع که به نظر یکی از نویسندگان از ((فربه ترین اصول دادرسی می باشد)) (فرحبخش، ۱۳۸۵: ۱) واصل رسیدگی در یک زمان معقول اشاره نمود برای نمونه می توان تلاقی این دو اصل را در رسیدگی غیابی ملاحظه کرد. به این صورت که اصل رعایت حق دفاع اقتضاء دارد که در هر دعوی خوانده از جریان دعوی و ادله خواهان آگاه شود و بتواند از خود دفاع کند از سوی دیگر تکلیف دادگستری به حل و فصل دعاوی در زمان معقول، متضمن این معنی است که رسیدگی و صدور حکم متوقف بر لزوم دفاع خوانده نمی باشد. حد وسط این دو اصل مهم فراهم نمودن شرایط دفاع برای خوانده از طریق تشریفات قانونی است. رسیدگی غیابی در واقع نمایش ضمانت اجرای قواعد حقوقی در جلوه اقتدار دادگاه است (رضای نژاد، ۱۳۹۰: ۲).

واخواهی، نخستین دفاعی است که خوانده ی دعوی مرحله نخستین نسبت به دعوی خواهان مطرح می نماید حق داخواهی محکوم علیه غایب (خوانده دعوی) در واقع در برابر امکان دادرسی غیابی او است که به نفع خواهان پیش بینی شده است و در عین حال واخواهی، فراهم آوردن زمینه اجرای اصل تناظر می باشد که در دادرسی غیابی رعایت آن مورد تردید بوده است. در نتیجه باید به واخواه اجازه داد که از تمامی حقوقی که به عنوان خوانده در اولین جلسه دادرسی داشته در واخواهی بهره مند گردد (شمس، ۱۳۹۴: ۳۰۶). از آنجایی که غیاب یکی از اصحاب دعوی قهراً موجب یک منقصتی در رسیدگی می شود چه از حیث تبادل لویح بین متداعیین و چه از جهت بازجویی در جلسه دادرسی. دعوی یعنی ترافع مشتمل بر یک حمله است از طرف خواهان و یک دفاع از طرف خوانده و از مقابله این دو انتظار می رود که حقیقت فائق آید به عبارت دیگر ((دادرسی باید با دو پا سیر کند تا صحیح و سالم به مقصد برسد هرگاه یکی از این دو پا قطع شود دستگاه بازجویی و کشف حقیقت لنگ و سیر آن متزلزل و بی اعتبار می گردد)). این وضعیت قضائی غیر عادی توجه قانونگذاران را جلب نموده وضع قواعد خاصی را از دونظر ایجاب کرده یکی از نظر حفظ حقوق غایب قاصر و دیگر از نظر جلوگیری از طفره و تشبث غایب مقصر (دفتری، ۱۳۸۱: ۶۴). احترام به حقوق دفاعی خوانده (محکوم علیه غایب) و رعایت اصل تناظر ایجاب می نماید که واخواه اجازه یابد از تمامی راه های دفاعی که برای خوانده در اولین جلسه دادرسی نخستین پیش بینی شده است بهره مند گردد، بدین معنا که ادعا ها و ادله و استدلالات خود را مطرح نماید. در نتیجه دفاع خوانده مرحله نخستین ممکن است در حد اعتراض به حکم باشد که در این صورت وارد بودن دعوی خواهان، با لحاظ تکذیب آن باید احراز شود. در عین حال، موقعیت واخواه به عنوان خوانده مرحله نخستین ایجاب می نماید تمامی تکلیف مربوطه را مورد توجه قرار داده و انجام دهد (شمس، ۱۳۹۴: ۳۰۷-۳۰۶).

تناظری بودن رسیدگی

محدوده اصل

دادرسی تناظری نتیجه برابری و تساوی میان اصحاب دعوی در استفاده از امکانات و فرصت ها و احترام به حق دفاع آنها است، که این رعایت تعادل و توازن میان اصحاب دعوی سبب می گردد که حکم قاضی به حق و عدالت نزدیک شود و قضاوتی شایسته و دلنشین را برای اصحاب دعوی به ارمغان می آورد (باقری، ۱۳۹۴: ۳۵).

این اصل در نهایت برای تامین برابری اصحاب دعواست ((صل عام حقوق شمرده می شود و بنیابراین شمولی عام دارد و بر تمام دادرسی ها در مراجع قضاوتی، به مفهوم اعم، حاکم است چه دادرسی هایی که مشمول آیین اختصاصی بوده و یا قواعد عام دادرسی بر آنها حاکم باشد (شمس، ۱۳۹۴: ۱۲۵) در این زمینه می توان به حکم شماره ۴۳۴۷-۳۰/۵/۲۷ اشاره کرد که مقرر می دارد ((عدم جواز اجرای هیچ حکم یا قرار ی بدون ابلاغ به طرف در همه محاکم ولو محاکم فوق العاده و یا اختصاصی جاری

است. بنابراین اجرای قرار و رای بدون ابلاغ به طرفین مگر در موارد استثناء تخلف محسوب می‌شود (قلی پور، احمدی، جعفری مته کلائی، ۱۳۹۳: ۵).

مفهوم اصل تناظر

تناظر در لغت به معنای با هم بحث و گفتگو کردن (معین). و همچنین به معنای به یکدیگر نظر کردن؛ به هم نگرستن (عمید). مفهوم حقوقی واژه، چندان از معنای لغوی آن دور نمی‌باشد. دعوی، در دادگستری همواره از برخورد ادعاها به وجود می‌آید. هر دعوی به طرف نتیجه‌ای سوق داده می‌شود که ((موضوع دعوی)) نامیده می‌شود. مدعی به مفهوم اعم، به منظور کسب نتیجه مطلوب، علی‌القاعده، باید مبنایی را حسب مورد برای دعوی یا دفاع خود اعلام و معرفی نماید که ((سبب)) دعوی یا دفاع خوانده می‌شود. در اثبات موضوع و سبب مزبور، مدعی، علی‌الاصول مطالبی را اظهار می‌دارد و به ادله‌ای متمسک می‌گردد تا ماهیت (ادله اثبات دعوی) یا، عندالاقضاء حکم (ادله اثبات احکام) را اثبات نماید. وظیفه قاضی است که، در تمام مواردی که اختلافی را فصل می‌نماید حق را از باطل تشخیص داده و اقدام به صدور رای نماید رای دادگاه به همان نسبت که به ((حق)) نزدیک می‌شود مطبوع طبع انسان قرار می‌گیرد در واقع توفیق قاضی در اقدام مزبور و کسب نتیجه مطلوب به این است که از ادعاها، ادله و استدلال‌ات هریک از متخاصمین مطلع گردد و این امر مستلزم این است که طرفین نزاع و اختلاف در موقعیتی قرار گیرند که فرصت و امکان طرح آزادانه ادعاها، ادله و استدلال‌ات رقیب مطلع شده تا بتوانند آنها را آزادانه مورد مناقشه قرار دهند. در حقیقت، قضاوت، انتخاب نمودن بین ادعاها متعارض است و این وظیفه در صورتی می‌تواند به نحو مطلوب انجام شود که قاضی از ادعاها و ادله صاحبان آن، که در شرایط متوازن به او تسلیم نموده اند، بطور کامل آگاه گردد. این همان چیزی است که در حقوق ایران به آن اصل تناظر می‌گویند (شمس، ۱۳۸۱: ۷-۵). اصل تناظر مهم‌ترین اصل در زمینه آیین دادرسی مدنی به شمار می‌رود. شاید، واضح‌ترین مفهوم اساسی مشترک بین تمام سیستم‌های دادرسی این ایده باشد که دو طرف دعوی باید استماع شوند. در برخی متون انگلیسی از اصل تناظر به این اعتبار که لزوم استماع هر دو طرف دعوی از جمله مهم‌ترین مقتضیات آن است، تحت عنوان ((اصل دو طرفه بودن دادرسی)) تعبیر شده است. اصل تناظر، آزادی و حق دفاع طرفین را در قبال یک دیگر در محضر دادگاه محفوظ داشته و تضمینی برای اجرای عدالت است (حیدری، ۱۳۸۹: ۵).

بر اساس اصل تناظر قاضی نمی‌تواند شرایط را به گونه‌ای پیش ببرد که یکی از طرفین با استفاده از فرصت پیش‌آمده دلیل خود را تقویت نماید. برای مثال حق ندارد در مواردی که قانون به طرفین این حق را داده است که با درخواست تجدیدجلسه دلایل خود را ابراز نمایند، به بهانه‌های مختلف با درخواست تجدیدجلسه مخالفت نماید و یا در مقابل به کرات و بدون موجهات قانونی جلس دادرسی را تجدید نماید تا شخص مورد نظر بتواند دلایلی را که قبلاً نداشته است تحصیل نماید برای مثال سندی را تنظیم نماید و یا شاهدانی غیر صادق را به گواهی بگیرد (رضانی علی آباد وزیر و زارع شاهی، ۱۳۹۵: ۳). تضمین آگاهی خوانده از دعوی اقامه شده علیه او، اطلاع کامل هر یک از طرفین دعوی در زمان مناسب نسبت به تمام عناصری که به وسیله طرف مقابل به منظور تأثیر بر تصمیم دادگاه ارائه شده یا توسط قاضی رسماً استخراج گردیده، بهره‌مندی هر دو طرف از امکان طرح ادعاها، ادله و استدلال‌ات خویش و همچنین، فرصت مناقشه در حضور عناصر ارائه شده به وسیله طرف مقابل، مفاد اصل تناظری بودن دادرسی را تشکیل می‌دهند (آقامحمدی، بادکوبه، ۱۳۹۵: ۱).

اصل تناظر در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری

اصل تناظر تحت عنوان مزبور یا عنوانی مشابه، در هیچ یک از نصوص آیین دادرسی مدنی و کیفری پیش بینی نشده است اما با توجه به جایگاه و اهمیت این اصل در نظام دادرسی با تدقیق در مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری به روشنی احراز می‌

گردد که برخی از مواد آن بر مبنای اصل تناظر و در جهت تضمین این اصل وضع گردیده است. با توجه به اینکه اصل تناظر یکی از اصول وقواعد مهم حاکم بر دادرسی می‌باشد و از آنجایی که با توجه به صدر و بند ۳ ماده ۳۷۱ ق.آ.د.م در این زمینه اشعار دارد بر اینکه ((عدم رعایت اصول دادرسی و حقوق اصحاب دعوی در صورتی که به درجهایی از اهمیت باشد که رای را از اعتبار بیندازد)). موجب نقض رای فرجام خواسته می‌گردد هرچند ماده مزبور در ذیل مباحث فرجام خواهی مطرح شده است اما توجه و رعایت آن در سایر طرق شکایت از آراء حتی در دادرسی کیفری نیز الزامی می‌باشد. بنابراین چنانچه رایی از هر کدام از مراجع قضایی و در هر مرحلهایی از دادرسی صادر شود و اصول دادرسی در آن رعایت نگردد و عدم رعایت مزبور به درجهایی از اهمیت باشد که در بند ۳ ماده ۳۷۱ ق.آ.د.م تصریح گردیده می‌بایست در مرجع عالی، در پی شکایت از آن، نقض یا فسخ گردد و منحصر نمودن این امر به آراء قابل فرجام ترجیح بلامرجع می‌باشد. از آنجایی که اصل تناظر یکی از اصول مهم دادرسی در حقوق ایران می‌باشد رعایت این اصل در دادرسی ((بلافاصله)) الزامی می‌باشد مگر در موارد استثناء که خلاف آن تصریح گردیده است در واقع رعایت اصل تناظر سبب می‌شود تا هریک از اصحاب دعوی از فرصت و امکان مزبور بهره مند گردیده و حتی بر جریان رسیدگی به ادله و اجرای ترتیباتی مانند قرار تحقیق محلی و معاینه محل نیز نظارت نمایند. بنابراین خواهان در تنظیم دادخواست، خوانده در دفاع و دادگاه در مقام رسیدگی و صدور رای باید همواره اصل تناظر را، علی القاعده ((بلافاصله))، مورد احترام قرار دهند.

الف) خواهان و رعایت اصل تناظر

قواعد نگارش دادخواست نشان می‌دهد که خوانده باید از جهات موضوعی از دعوایی که علیه او طرح می‌شود آگاه شود و قواعد ابلاغ هم بیانگر این است که زمان و مکان رسیدگی باید به طرفین اطلاع داده شود تا امکان حضور در جلسه و دفاع از خود را داشته باشند. مطابق ماده ۵۱ ق.آ.د.م. قواعد ابلاغ در تمام مراحل رسیدگی و حتی اجرای حکم قطعی لازم الاجراست. بهتر است گفته شود که در هر قدم از دادرسی، اظهارهایی صادر می‌شود و تصمیماتی گرفته می‌شود که باید ابلاغ شود. خواهان مکلف است، در دادخواست مشخصات خوانده را مشخص نماید تا از جمله خوانده در موقعیتی قرار بگیرد تا بتواند طرح ایرادتی مانند ایراد بی نفعی خواهان و ایراد عدم توجه دعوی به خوانده را به عنوان دفاع مورد بررسی قرار دهد و همچنین اسباب و جهاتی که خواهان براساس آنها خود را مستحق مطالبه می‌داند، باید به طوری که مقصود واضح و روشن باشد، در دادخواست تصریح شود و انجام مواردی از این قبیل که خوانده را در موقعیتی قرار می‌دهد که بتواند ادعاها و براهین خود را مورد مناقشه قرار داده و دفاعیات خود را نیز، با لحاظ آنها تهیه و تدارک نماید. احترام به اصل تناظر از سوی خواهان به ترتیب یاد شده در همه مراحل دادرسی و طرق شکایت از آراء لازم می‌باشد (شمس، ۱۳۸۱: ۱۶).

ب) خوانده و رعایت اصل تناظر

در واقع خوانده مطابق با مواد ۹۶ ق.آ.د.م باید اصل و رونوشت اسنادی را که می‌خواهد به آنها استناد نماید باید در جلسه مقرر حاضر نماید و در مواردی که نیاز به طرح ایراد دارد مطابق ماده (۸۴ ق.آ.د.م) علی‌الاصول ضمن پاسخ به ماهیت دعوی، در همان جلسه مطرح نماید هرگونه مطلبی که در مقام دفاع لازم می‌داند مطابق ماده ۱۰۲ ق.آ.د.م در جلسه دادگاه مطرح کند یا مطابق مواد ۱۴۱ تا ۱۴۳ (ماده ۱۳۵ اقدام به طرح دعوی متقابل نماید یا ثالث را جلب نماید).

بنابراین مطابق مواد قوق الاذکر، خوانده نه تنها می‌تواند به ادعاها و براهین خواهان پاسخ دهد بلکه چنانچه پاسخ مستلزم طرح ادعاها، ادله استدلال باشد مکلف است. در اجرای اصل تناظر، این اقدام را در جلسه دادرسی، یعنی علی القاعده در حضور خواهان معمول دارد. در نتیجه خواهان از پاسخ خوانده مطلع گردیده و او نیز خواهد توانست آنها را به نحو مقتضی، مورد مناقشه قرار داده و از حق دفاع بهره مند گردد (شمس، ۱۳۸۱: ۱۷).

ج) دادگاه ورعایت اصل تناظر

قاضی نیز مکلف به رعایت اصل تناظر می باشد در واقع قاضی باید بستر رعایت این اصل مهم را در دادرسی فراهم نماید در همین راستا مطابق ماده (۱۰۴ ق.آ.د.م.ج) باید وقت اولین جلسه دادرسی را به اطلاع اصحاب دعوی برساند و در مواردی که نیاز به جلسه دیگری باشد علت مزبور ذیل صورت جلسه دادرسی قید و ساعت جلسه بعد تعیین و به اصحاب دعوی ابلاغ نماید. و مطابق ماده (۱۰۲ ق.آ.د.م.ج) دادگاه مکلف است. در اجرای اصل تناظر، در جلسه دادرسی به اصحاب دعوی فرصت دهد تا مطالب خود را آزادانه اظهار نمایند و حسب مورد، مضمون یا عین اظهارات آنها را در صورت مجلس درج نماید. بنابراین پرونده دادرسی، همواره حاوی تمام ادعاها، ادله و استدلالات اصحاب دعوی خواهد بود در نتیجه در موقعیتی قرار م گیرد که اعمال خود را به لحاظ آنها صادر نماید و مراجع شکایت نیز، خواهند توانست، با توجه به تمام عناصری که در پرونده وجود دارد صحیح و قانونی بودن رای صادره را چنانچه مورد شکایت قرار گیرد، با لحاظ استنادات و استدلالات مندرج در رای، بررسی نمایند.

استثنائات اصل تناظر

از آنجایی که هر اصل حقوق بر خلاف اصل فلسفی دارای استثنائاتی می باشد این اصل نیز از این قاعده مستثناء نمی باشد. از این رو در مواردی که قانونگذار رعایت ((بلافاصله)) اصل تناظر را مخالف فلسفه وجودی تاسیس خاصی تلقی نموده و یا رعایت ((بلافاصله)) اصل تناظر با اصل مهم دیگری تعارض داشته باشد. رعایت ((بلافاصله)) اصل مزبور نیز امکان پذیر نمی باشد.

الف) لزوم عدم رعایت ((بلافاصله)) اصل تناظر

در مواردی تضمین ((بلافاصله)) اصل تناظر مخالف فلسفه برخی تاسیسات خاص تلقی گردیده است. در این صورت قانونگذار دادگاه را مکلف نموده است که تصمیم خود را بدون رعایت اصل مزبور اتخاذ کنند از آن جمله می توان رسیدگی به درخواست تامین خواسته برشمرد در حقیقت از آنجایی که فلسفه تاسیس مزبور و صدور قرار تامین خواسته، در امنیت قرار دادن خواسته از نقل و انتقالی است که خوانده می تواند با اطلاع از اقامه دعوی و احتمال شکست خود کاری انجام دهد و در نتیجه موجب شود که اجرای حکم قطعی که بعداً در ماهیت دعوی به نفع خواهان صادر می گردد متعذر و متعسر می شود. بنابراین فلسفه قرار تامین مزبور اقتضاء دارد که خوانده نه تنها از درخواست تامین خواسته آگاه نگردد بلکه رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به درخواست خواهان نیز بدون دفاع و حتی اطلاع وی صورت پذیرد و تصمیم دادگاه علیه خوانده نوعی اثر ((غافلگیری)) داشته باشد (همان: ۲۵). در این جهت است که ماده ۱۱۵ ق.ج.آ.د.م. مقرر می دارد ((هنگام در خواست صدور قرار تامین خواسته دادگاه بدون اخطار به طرف به دلایل درخواست کننده رسیدگی می کند. در عین حال، در موارد مزبور حمایت از حقوق دفاع خوانده و اصل تناظر مورد غفلت قرار نگرفته، و خوانده می تواند نسبت به رأی که علیه خوانده صادر شده شده مقنن به او فرصت و امکان دفاع ((بعدی)) یعنی طرح ادعاها، ادله و براهین خود را داده است.

ب- تجویز عدم رعایت ((بلافاصله)) اصل تناظر می تواند منافی ((فوریت)) تاسیس خاصی تشخیص گردد. در این صورت قانونگذار به دادگاه اجازه داده که وجود و یا عدم تنافی مزبور را مورد بررسی قرار دهد و در صورتی که آن را احراز نماید از اجرای ((بلافاصله)) اصل تناظر خود داری کند به همین جهت است که ماده ۳۱۴ ق.آ.د.م. ضمن انشاء قاعده رعایت ((بلافاصله)) اصل تناظر در رسیدگی به درخواست دادرسی فوری، به دادگاه اختیار داده است که چنانچه ((فوریت)) اقتضاء نماید از اجرای بلافاصله اصل تناظر خودداری کند (همان: ۲۶)

مبنا و ماهیت اصل تناظر

شناسایی ریشه‌ها و مبانی اصل تناظر به ما اجازه خواهد داد تا ماهیت حقوقی این اصل را تبیین نماییم

مبانی اصل تناظر

اصل تناظر ریشه در اصول ((عدالت طبیعی)) داشته است و لازمه تحقق ((عدالت آیینی)) است. قواعد عدالت طبیعی ضوابط حداقلی تصمیم گیری منصفانه هستند که بر اشخاص و نهادهای دارای صلاحیت رسیدگ قضایی تحمیل می‌شوند از حیث مجرای اصول عدالت طبیعی می‌توان گفت که هرگاه شخص یا نهادی ملزم به تصمیم گیری در خصوص مسائل حکمی یا موضوعی در اوضاع و احوالی باشد که تصمیمات وی تأثیر مستقیمی بر حقوق و انتظارات مشروع اشخاص داشته باشد، یک تعهد ضمنی مبنی بر رعایت اصول عدالت طبیعی بر عهده او ایجاد می‌گردد. به طور کلی، اصول عدالت طبیعی مشتمل بر دو قاعده به معنی طرف دیگر را بشنو و ((هیچ کس نمی‌تواند در دعوی خود قاضی باشد)) که ریشه آنها را در حقوق روم می‌توان یافت.

الف- تساوی و برابری طرفین:

از نظر اساتید حقوق تساوی و برابری طرفین دعوی نخستین مبنای حقوقی اصل تعادل ترافیعی (تناظر) به شمار آمده است (شمس، ۱۳۹۴: ۱۲۵) می‌توان گفت که ((اصل تناظر به نام برابری تصدیق می‌گردد)) به عبارت دیگر قاعده تناظر با اصل برابری که همواره نسبت به اصحاب دعوی باید مراعات گردد، رابطه تنگاتنگ دارد. اصل ((تساوی سلاح ها یا ((برابری امکانات- دفاعی)) که نویسندگان حقوقی اروپا بر مبنای بند ۶ کنوانسیون حقوق بشر استنتاج نموده اند مفاد آن بسیار نزدیک به اصل تناظر است، نیز مبتنی بر تضمین برابری موقعیت طرفین دعوی معرفی شده است در واقع تناظر مقتضی آن است که طرفین در روابط مستقیم با همدیگر و همچنین، در مقابل قاضی، در شرایط مساوی قرار گیرند. هر یک از طرفین در چارچوب دادرسی از حقوق یکسانی برخوردار می‌باشند. منصفانه بودن دادرسی، مستلزم برابری در رفتار با طرفین دعواست که این امر به نوبه‌ی خود، ایجاب کننده بی طرفی و استقلال دادگاه می‌باشد.

ب - بی طرفی دادرس

لزوم بی طرفی قاضی نیز یکی دیگر از مبانی حقوقی اصل تناظر به شمار می‌رود. وظیفه دادرس. در رسیدگی به امور، رعایت بی - طرفی کامل می‌باشد و منظور از بی طرفی، عدم انجام اعمال و اقداماتی است که در اثر آن، احتمال پیروزی یکی از طرفین دعوا بیش از طرف دیگر گردد. در تمام مواردی که قاضی به یکی از طرفین حق دفاع کردن می‌دهد اما این حق را برای طرف دیگر انکار می‌کند، بی طرفی او مخدوش گردیده و دیگر، میزان عدالت برای هر دو طرف دعوا متعادل نیست. اصل تناظر طرفی را در برابر خطر جانبداری قاضی محافظت می‌نماید (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۲)

ماهیت اصل تناظر

در حقوق ایران، نه در قانون اساسی و نه در قوانین راجع به آیین دادرسی مدنی، هیچ گونه نص صریحی به بیان اصل تناظر اختصاص نیافته است. به جزئیکی از نویسندگان که در کتاب خود و در مقاله ایی تحت عنوان اصل تناظر به این اصل پرداخته اند نویسندگان کتب آیین دادرس مدنی نیز اساساً هیچ اشاره ای به اصول کلی دادرسی و از جمله اصل تناظر ننموده اند. مع هذا، نه تنها می‌توان این اصل را بر مبنای اصول کلی از قبیل ((عدالت)) و ((برابری)) که در اصول متعددی از قانون اساسی ما مورد تصریح واقع شده مبتنی ساخت بلکه به تعبیری می‌توان آن را از جمله اصول عدالت طبیعی برشمرد که در این صورت، حتی با فقدان نص، رعایت آن بر هر مرجع قضاوتی الزامی خواهد بود. مظاهر متعددی از احترام به اصل تناظر را می‌توان در مقررات مختلف قانون آیین دادرسی مدنی جدید ملاحظه نمود. نتیجه اینکه، اصل تناظر یک اصل اساسی قابل اعمال تحت عنوان ((اصول کلی- حقوقی)) است، بی آنکه نیازی به متنی خاص برای الزامی اعلام کردن آن باشد (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۵).

محدوده تفکیک اصل حق دفاع با تناظری بودن رسیدگی:

شاید ابتدائاً این دواصل یکی به نظر برسند و تفکیک این دو اصل از یک دیگر بی فایده به نظر برسد. اما باید توجه داشت هر چند این دو اصل با هم هم پوشانی دارند و به طور عام ناظر به طرق دفاعی طرفین می باشند. اما تفکیک این دو اصل ظرافت خاصی می طلبد و آن هم اینکه اصل تناظر همانطور که از معنای لغوی آن استنباط می شود یعنی به مناظره نشستن و مباحثه کردن طرفین می باشد اصل تناظر. هم ناظر به طرفین دعوی می باشد و هم قاضی دادگاه برخلاف حق دفاع که در واقع یعنی به طرفین فرصت بدهیم از خود دفاع کنند اما در رسیدگی تناظری همانطور که بیان کردیم قاضی هم موظف است زمینه تناظر را برای طرفین فراهم نماید به اعتقاد یکی از دکتترین حقوقی (قاضی باید رعایت تناظر را موجب گردیده و خود نیز آن را رعایت نماید. تناظر باید در جریان دادرسی تامین شود و در مواردی که دادرسی تناظری نبوده از طریق گشایش راه شکایت متناسب، تامین شود) (شمس، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

نتیجه گیری

اصل حق دفاع و اصل تناظر به عنوان دو اصل مهم از اصول راهبردی دادرسی منصفانه می باشند که با توجه به مبانی مشترک آیین دادرسی مدنی و کیفری این دواصل از اصول مشترک دادرسی چه در امور کیفری و چه در امور مدنی می باشند در این تحقیق با بررسی مفهوم و مصادیق حق دفاع در آیین دادرسی مدنی و کیفری و بررسی اصل تناظری بودن رسیدگی و تبیین حدود و صغور این اصل به این نتیجه دست یافتیم که هر چند این دو اصل در یک راستا می باشند و هر دو تضمین کننده حق دفاع در معنای عام می باشند و عده ای از نویسندگان در آثار خود بین این دو اصل تفکیک قائل نشده اند اما با بررسی دقیق این دو اصل به این نتیجه دست یافتیم در اصل حق دفاع همانطور که بیان شد عبارت است از مجموع تضمینات قانونی و قضایی که در سطح ملی و منطقه ای و بین المللی، برای افرادی که در مظان اتهام ارتکاب بزه قرار می گیرند و در سراسر رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه به دور از اشتباهات قضایی منظور گردیده است. و اصل تناظر به طور خلاصه به این معناست که باید نسبت به طرفین مخاصمه، امکان رسیدگی عادلانه قضایی فراهم شود و یکی از طرفین در موقعیت برتری نسبت به دیگری قرار نگیرد و اینکه اصل تناظر همانطور که از معنای لغوی آن استنباط می شود یعنی به مناظره نشستن و مباحثه کردن طرفین می باشد بنابراین اصل تناظر هم ناظر به تکلیف طرفین دعوی می باشد و هم ناظر به تکلیف قاضی دادگاه به فراهم کردن زمینه تناظر برخلاف حق دفاع که ناظر بر این است که به طرفین فرصت بدهیم از خود دفاع کنند مثل حق داشتن وکیل به طور خلاصه در اصل تناظر همانطور هر کدام از شاکی یا مشتکی عنه (مدعی یا منکر) و قاضی دادگاه هر کدام وظیفه خاصی برعهده دارند و موظفند زمینه تناظری (ترافی) بودن رسیدگی را فراهم کنند تا هر کدام از طرفین بتواند از این طریق از ادعاها و ادله طرف دیگر آگاه شود اما در حق دفاع قانونگذار مواردی را به عنوان طرق دفاعی برای هر یک از طرفین مشخص کرده است.

منابع

۱. امیری، اعظم (۱۳۹۲). حق دفاع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در نظام حقوقی ایران ماهنامه دادرسی شماره ۹۷، سال شانزدهم
۲. آخوندی، محمود، (۱۳۸۱) آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، انتشارات اشراق (دانشگاه قم) چاپ دوم.
۳. آقامحمدی، ابراهیم، بادکوبه، ندا (۱۳۹۵)، مقایسه اصل تناظر در داوری داخلی و بین المللی فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره بیست و یکم، صص ۲۰۹-۲۳۲.
۴. باقری، صادق، (جمعی از نویسندگان)، (۱۳۸۲)، ادله اثبات دعاوی کیفری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۵. جان شکر، محمود، ۱۳۷۸، حق دفاع متهم (بررسی تطبیقی با اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری رم)، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۶. رضایی نژاد، همایون، امیرحسین (۱۳۹۲) حکم غیابی: حرکت از مبانی به سمت رویکرد نوین، مجله حقوقی دادگستری علمی پژوهشی سال ۷۵ شماره ۱ ۷۵ صفحات ۱۷۳ تا ۱۹.
۷. رضانی علی آبادوزیر، حجت، زارع شاهی، علی (۱۳۹۵) اصول حاکم بر ارزیابی ادله در آیین دادرسی مدنی ایران، محل انتشار کنگره بین المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. سید محسن، صدر زاده افشار (۱۳۸۲)، آیین دادرسی مدنی و باززرگانی دادگاه های عمومی و انقلاب، جلد اول، چاپ هفتم، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی.
۹. سیروس، علم قاضی و اصل تناظر، تحقیقات حقوقی زمستان ۱۳۸۹ ویژه نامه شماره ۲ علمی-پژوهشی.
۱۰. شمس، عبدالله (۱۳۹۴)، آیین دادرسی مدنی پیشرفته، جلد سوم، چاپ بیست و هفتم، انتشارات دراک
۱۱. شمس، عبدالله (۱۳۹۴)، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد دوم، انتشارات دراک، چاپ سی ششم.
۱۲. شیخ نیا، امیر حسین، آیین (۱۳۷۳) دادرسی مدنی جلد سوم چاپ اول، موسسه انتشاراتی ویستار
۱۳. علی اکبری، رستم، کرمی، پدرام، کنجوری، مجتبی (۱۳۹۲) بررسی مصادیق حقوق دفاعی متهم در قانون جدید آیین دادرسی کیفری همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در بوته نقد
۱۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی.
۱۵. فرح بخش، مجتبی (۱۳۸۵) مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم شماره ۵۶.
۱۶. فرزانه، فردین (۱۳۹۵) جاهد، محمد علی، بررسی اصول دادرسی موضوع مواد ۲ الی ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ محل انتشار: کنگره بین المللی جامع حقوق ایران
۱۷. قلی پور، حسن، احمدی، سید مهدی، جعفری مته کلائی، محمد حسن (۱۳۹۳)، بررسی اصل تعادل توافعی (تناظر) در دادرسی قضایی و داوری تجاری بین المللی، فقه و اصول: پژوهش های فقه و حقوق اسلامی. شماره ۳۷ (علمی-پژوهشی) از ص ۱۲۷ تا ۱۴۶
۱۸. کریمی، عباس محسنی، حسن (۱۳۹۰) اصل آزادی دفاع در دادرسی مدنی، درج شده در پژوهشنامه حقوقی، دانشگاه گیلان، سال اول، شماره سوم، صفحات ۹۳-۱۱۱
۱۹. متین دفتری، احمد (۱۳۸۱) آیین دادرسی مدنی و باززرگانی، جلد اول و دوم، چاپ دوم انتشارات مجد.
۲۰. مرتضوی عبد الحمید (۱۳۹۴) آیین دادرسی مدنی عمومی (مقدمات دادرسی)، اعتراض به دادرسی، چاپ اول انتشارات جاودانه جنگل
۲۱. معین محمد، فرهنگ فارسی
۲۲. شمس، عبدالله (۱۳۸۱). اصل تناظر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵ و ۳۶ از ص ۸۶-۵۹